

فقر کودکان: بررسی مفاهیم و اندازه‌گیری^۱

آلبرتو مینوخین و دیگران

استاد دانشگاه نیو اسکول (New School) آمریکا

چکیده

مقاله حاضر مفاهیم مختلف فقر کودکان، تعاریف دیگر برای کودکانی که در فقر به سر می‌برند و تلاش‌های لازم برای نحوه اندازه‌گیری فقر را بررسی و ارائه می‌نماید. در این مقاله به این سؤالات پرداخته خواهد شد: کودکانی که در فقر به سر می‌برند چه کسانی هستند؟ آیا موضوع کودکانی که در فقر زندگی می‌کنند در استراتژی‌های ضد فقر گنجانده شده است؟ آیا دولت‌ها، سازمان‌های جامعه مدنی و سازمان‌های بین‌المللی سیاست‌هایی به منظور کاهش فقر کودکان شناسایی و اتخاذ کرده‌اند؟ آیا شرایط دخترانی که در فقر به سر می‌برند نیز مورد توجه قرار گرفته است؟ به طور کلی، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که در مباحث مربوط به فقر، فقدان توجه به کودکان به چشم می‌خورد. آشکار نبودن فقر کودکان تأثیرات منفی برای استراتژی‌های ضد فقر که بندرت در طرح و اجرای خود برای کودکان نقش محوری در نظر می‌گیرند در پی دارد. در مقاله حاضر، بررسی می‌شود که فقدان مفهوم سازی و گفت‌وگو در ارتباط با موضوعات خاص مربوط به فقر کودکان عواقب بسیاری برای سیاست‌گذاری به همراه دارد.

واژگان کلیدی: سیاست‌های کودکان؛ فقر کودکان؛ حقوق کودکان؛ حقوق بشر؛ کاهش فقر.

مقدمه^۲

جهان نسبت به قول و تعهد خود در ارتباط با تضمین برخورداری همه کودکان از دوران کودکی امن و مطلوب قصور کرده است. کنوانسیون حقوق کودک، که در سال ۱۹۸۹ لازم‌الاجرا شد، به کودکان این حق را می‌دهد که در دوران کودکی خود بتوانند یاد بگیرند، بازی کنند و از تمام استعدادهای بالقوه خود برای برخورداری از بهداشت و توسعه بهره‌مند شوند. با این وجود، هنوز هم با گذشت ۱۵ سال از قبول کنوانسیون و با گذشت بیش از ۱۵ سال از رشد اقتصادی مبتنی بر بازار، دولت‌ها و جوامع بین‌المللی با برآورده ساختن حقوق کودکان و ایجاد جهانی مناسب با آنها فاصله بسیاری دارند.

بر طبق آمار یونیسف، بیش از نیمی از کودکان کشورهای در حال توسعه در فقر به سر می‌برند.^۳ این سطح از محرومیت کودکان در گفت‌وگوهای در حال گسترش مربوط به سیاست‌های ضد فقر یا بحث‌های کنونی در ارتباط با تعریف فقر مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بسیاری بر این

باورند که شناسایی و اندازه‌گیری فقر براساس رویکرد پولی توسط رویکردهای چند بخشی دیگر، از جمله رویکرد مبتنی بر حقوق بشر، رویکرد نیازهای اولیه و رویکرد قابلیت مورد چالش قرار می‌گیرد. با این وجود، باید اذعان داشت که رویکرد درآمدی، برای مفهوم فقر کودکان تفاوت قائل نمی‌شود و یا به آسیب‌پذیری‌ها و نیازهای مختلف کودکان فقیر توجه نمی‌کند. در این رویکرد نه تنها فقر کودکان در بحث گنجانده نمی‌شود بلکه در تلاش‌های مربوط به اندازه‌گیری فقر و از میان برداشتن آن نیز مورد توجه قرار نمی‌گیرد. فقدان مفهوم سازی و بحث درباره موضوعات خاص فقر کودکان عواقب بسیاری برای سیاست‌گذاری به همراه دارد و تمرکز مطلق بر رویکرد درآمد، از داشتن دیدی کل‌نگر بر کودکان و خانواده‌ها ممانعت می‌کند.^۴

این مقاله تعریف و اندازه‌گیری فقر کودکان توسط سازمان‌ها - آکادمیک، عمومی، خصوصی، داخلی، محلی و بین‌المللی - و همچنین پیشنهادها برای پرداختن به نیازهای خاص کودکان و کاهش تاثیر فقر بر کودکان را مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف اصلی این مقاله تاثیر بر جریان بحث‌های مربوط به فقر می‌باشد، به طوری که موضوع کودکانی که در فقر به سر می‌برند، جنبه محوری پیدا کند. این تنها یک موضوع اخلاقی نبوده، بلکه گامی ضروری در مسیر ریشه کنی فقر می‌باشد.

تعریف فقر کودکان

الف) محدودیت‌های رویکرد سنتی: فقر کودکان، معمولاً به فقری گفته می‌شود که توسط کودکان و جوانان تجربه می‌شود. این فقر با فقر بزرگسالان که می‌تواند دارای موارد مختلفی باشد متفاوت است. همچنین فقر کودکان می‌تواند دارای اثرات متفاوتی باشد که این اثرات به صورت دائمی بر کودکان تاثیر می‌گذارند.^۵ حتی محرومیت‌های کوتاه مدت می‌تواند بر توسعه و رشد بلند مدت کودکان تاثیر گذار باشد. کودکان فقر را به عنوان محیطی تجربه می‌کنند که به رشد ذهنی، فیزیکی، احساسی و روحی آنها صدمه می‌زند. بنابراین، گسترش تعریف فقر کودکان به ویژه فراتر از مفاهیم سنتی آن، از قبیل درآمد کم خانوار یا سطح پایین مصرف، امری مهم است. هنوز هم فقر کودکان از فقر کلی کمتر متمایز می‌گردد و ابعاد خاص آن به ندرت پذیرفته می‌شود.^۶

برای تعریف، شناسایی یا اندازه‌گیری فقر، رویکرد یکسانی وجود ندارد. بحث فقر مربوط می‌شود به دلایل مختلف بالقوه فقر و روش‌هایی که از طریق آنها بتوان فقر را اندازه‌گیری کرده و

به صورت ملی و بین‌المللی مقایسه نمود. رویکرد پولی، که برای شناسایی و اندازه‌گیری فقر، بیش از همه مورد استفاده قرار می‌گیرد، استراتژی‌های کاهش فقر را بر اساس افزایش درآمد افراد متمرکز می‌کند.^۷ با وجود استفاده گسترده از رویکرد پولی، سازمان‌های توسعه متعددی فقر را پدیده‌ای می‌دانند که نمی‌تواند تنها با توجه به شرایط پولی تعریف شود.^۸

دلایل بسیاری برای نامناسب بودن رویکرد پولی جهت اندازه‌گیری فقر کودکان وجود دارد. برای مثال، این رویکرد به سن، جنسیت و ساختار خانوار توجه کمتری دارد. همچنین این حقیقت که نیازهای کودکان متفاوت از نیازهای بزرگسالان می‌باشد را نادیده می‌گیرد.^۹ راه حل پولی و سنجش افزایش سطح درآمد افراد، این حقیقت را که برخی از اعضای خانوار مورد تبعیض واقع می‌شوند و ممکن است سهم متناسبی از درآمد خانوار دریافت نکنند، نادیده می‌گیرد.^{۱۰} برای مثال، زمانی که کودکان کار می‌کنند، اغلب درآمد خانوار به بالای خط فقر صعود می‌کند. این کودکان محروم در نظر گرفته می‌شوند، در حالیکه با توجه به رویکرد سنتی درآمد، آنها فقیر محسوب نمی‌گردند. همچنین، مطالعات بی‌شماری نشان داده‌اند که در خانوارها «... بار فقر به طور نابرابر با توجه به تعصبات سنی و جنسیتی انباشته می‌شود که به طور نامطلوب به ویژه بر زنان و کودکان تاثیر می‌گذارد».^{۱۱}

علاوه بر این، رویکرد پولی، به این نکته که رفاه کودکان به عواملی غیر از بازار نیز وابسته می‌باشد، توجهی ندارد. به طور کلی دسترسی به خدمات اولیه و محیطی امن برای بازی، بیشتر به سطح ارائه خدمات محلی وابسته می‌باشد تا درآمد خانوار. از این رو افراد، حتی در صورتی که از درآمد کافی برخوردار باشند، نمی‌توانند این کالاها را خریداری کنند. این جنبه‌های غیر پولی نه تنها بر رفاه کودکان تاثیر می‌گذارند، بلکه دارای تاثیرات نامتناسب بر کودکان نیز می‌باشند. برای نمونه، بیش از ۸۰ درصد از بیماری‌های اسهالی که در اثر نبود آب سالم و بهداشت محیطی ایجاد می‌شوند، به کودکان زیر ۵ سال مربوط می‌شود، بیماری‌هایی که دلیل عمده مرگ و میر و مرض در تمام گروه‌های سنی می‌باشند. ۷۰ درصد از مشکلات بهداشتی ناشی از عفونت‌های روده (کرم روده)، که باز هم به ارائه ضعیف خدمات مربوط است، گریبان‌گیر کودکان ۵ تا ۱۴ ساله می‌شود. همچنین کودکان به علت اشتیاقی که برای بازی دارند، به میزان زیادی تحت تاثیر شرایط نامناسب بهداشتی که به علت سیستم فاضلاب نامناسب و تجمع زباله به وجود می‌آید، قرار می‌گیرند. بازی در محیط‌های پر خطر منجر به افزایش میزان صدمات - قابل جلوگیری - برای

کودکان، به ویژه کودکان فقیر می‌شود. شرایط زندگی در خانوارهای پرجمعیت برای تمام گروه‌های سنی مشکل می‌باشد، به ویژه که این امر موجب مشکلات رفتاری، انگیزه کمتر و رشد روانی- حرکتی با تأخیر، برای کودکان مرتبط می‌باشد. تاثیر طیفی از محرومیت‌های محیطی (و همچنین محرومیت غذایی و مراقبت بهداشتی) بر کودکان بسیار حیاتی می‌باشد، به ویژه به خاطر تاثیرات بلند مدت آن بر رشد کودکان.^{۱۲}

ب) چارچوب حقوق بشر و تعریف فقر: رویکرد مبتنی بر حقوق بشر، به فقر، سعی دارد تا مفاهیم، تحلیل، ارزش‌ها و زبان حقوق بشر را با گفت‌وگوهای مربوط به کاهش فقر، یکپارچه کند. این رویکرد بر این باور است که اهداف استراتژی‌های ضد فقر باید توسط ارزش‌ها و قوانین بین‌المللی حقوق بشر هدایت شوند.^{۱۳} از آنجا که قوانین بین‌المللی حقوق بشر به صورت رسمی توسط تقریباً تمامی کشورها پذیرفته شده و با الزامات قانونی مربوطه تقویت می‌شوند، رویکرد مبتنی بر حقوق بشر، چارچوبی متقاعد کننده، صریح و اصولی به منظور هدایت سیاست‌های ملی و بین‌المللی برنامه‌های ضد فقر ارائه می‌کند.^{۱۴}

یکی از جنبه‌های رویکرد مبتنی بر حقوق بشر به فقر، توانمندسازی فقرا می‌باشد. این رویکرد به افراد فقیر، به عنوان کسانی که دارای حقوق می‌باشند، این فرصت را می‌دهد تا از دولت خود سیاستی را طلب کنند که زندگی آنها را بهبود ببخشد. «در این هنگام، کاهش فقر به چیزی بیش از صدقه و تعهد اخلاقی تبدیل خواهد شد و کاهش فقر تعهدی قانونی خواهد بود».^{۱۵} این امر تاثیرات مهمی بر برنامه ریزی، اجرا و سیاست گذاری و تخصیص بودجه در بر دارد.

رویکرد مبتنی بر حقوق بشر، برای کمک به توانمندسازی افراد فقیر دارای چندین ویژگی برجسته می‌باشد: تاکید بر پاسخگو بودن، اصول ضد تبعیض، برابری و اصل فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکتی. این ویژگی‌ها قصد دارند تا از این نکته اطمینان حاصل کنند که استراتژی‌های ضد فقر تنها نمایش کالا از پشت پنجره مغازه نمی‌باشند، گروه‌های در حاشیه، محروم نیستند و افراد فقیر در تدوین، اجرا و پایش استراتژی‌های کاهش فقر، مورد توجه قرار می‌گیرند. این رویکرد کل‌نگر می‌باشد. زمانی که حقوق سیاسی و مدنی افراد فقیر تضمین شوند، آنها شانس بیشتری برای تحت تاثیر گذاشتن دولت‌های خود جهت پذیرش استراتژی‌های ضد فقری که برای آنها زندگی مستقل و مناسب با شان و کرامت انسانی به همراه دارد، خواهند داشت. از این رو، به این حقوق «حقوق ابزاری» گفته می‌شود، به معنای حقوقی که در مبارزه علیه فقر

کمک می‌کنند، هر چند عدم حضور آنها فقر را تعریف یا ایجاد نمی‌کند. در رابطه با شناسایی افراد فقیر - اندازه‌گیری فقر و تحلیل آن - رویکرد مبتنی بر حقوق بشر، نگاهی دارد بر حقوق ساختاری؛ به عبارت دیگر حقوقی که بدون آنها، شخص فقیر محسوب می‌شود.^{۱۶} فهرست این حقوق می‌تواند در کشورهای مختلف متفاوت باشد، اما دفتر عالی کمیسیونر حقوق بشر (OHCHR) بر اساس شواهد تجربی مجموعه مشترکی از حقوق ایجاد کرده که در اکثر کشورها کاربرد دارند؛ از قبیل: بهره‌مندی از تغذیه مناسب، توانایی اجتناب از شیوع بیماری و مرگ و میر زود هنگام قابل پیشگیری، بهره‌مندی از سرپناه مناسب، برخورداری از آموزش اولیه، توانایی حضور در مجامع عمومی بدون احساس شرم و خود کم بینی، توانایی امرار معاش، مشارکت در زندگی اجتماعی.

از این لیست می‌توان برای شناسایی فقرا، کسب اطلاعات دقیق‌تر درباره نیازهای آنان و ارزیابی میزان موفقیت استراتژی‌های کاهش فقر استفاده کرد. علاوه بر این، در تعریف فقر بر پایه عدم رعایت کامل حقوق، به طور ضمنی این‌گونه فرض می‌شود که در نهایت، وظیفه اصلی رعایت و تامین این حقوق، بر عهده دولت‌ها قرار دارد.^{۱۷}

پ) در جست‌وجوی تعریفی برای کودکانی که در فقر به سر می‌برند: یونیسف، بر اساس رویکرد حقوق بشری و کنوانسیون حقوق کودک، فقر کودکان را به عنوان محرومیت از طیفی از خدمات و حمایت‌های مادی و اجتماعی تعریف می‌کند که این محرومیت برای تضمین رفاه کودکان ضروری می‌باشد. تعریف کاری یونیسف از فقر کودکان، ارائه شده در «گزارش وضعیت کودکان جهان» این‌گونه است: «کودکانی که در فقر به سر می‌برند، کسانی هستند که محرومیت از منابع مادی، روحی و احساسی مورد نیاز برای بقاء، رشد و پیشرفت را تجربه می‌کنند، که این محرومیت عدم توانایی آنها در برخورداری از حقوق، دستیابی به تمام استعدادهای بالقوه یا مشارکت به عنوان عضو کامل و برابر جامعه را در بردارد».^{۱۸}

یونیسف معتقد است که «... بر اساس این تعریف، فقری که کودکان با دستان، افکار و قلب‌هایشان تجربه می‌کنند، با یکدیگر مرتبط است». برای مثال، فقر مادی منجر به سوء تغذیه می‌شود که آن هم به نوبه خود بر بهداشت و آموزش تاثیر می‌گذارد، بهداشت و آموزش هم به نوبه خود بر رشد بلند مدت کودکان موثر می‌باشد. علاوه بر این، به منظور مقابله با فقدان منابع مالی ممکن است کودکان در خانوارهای فقیر درگیر کار شوند، که این مسئله با محروم کردن کودکان از

مدرسه بر رشد شناختی و فیزیکی آنها اثر منفی می‌گذارد. تعریف یونیسف بر ماهیت چند بعدی و مرتبط فقر کودکان تاکید دارد.

تعریف یونیسف همچنین نشان می‌دهد که در پرداختن به موضوع فقر کودکان، تامین اقتصادی تنها یکی از چند اجزای تشکیل دهنده آن محسوب می‌شود. سایر جنبه‌های محرومیت مادی، مانند دسترسی به خدمات اولیه و موضوعات مربوط به تبعیض و محرومیت اجتماعی که بر خود باوری و رشد روانی موثرند، در کنار جنبه‌های دیگر محرومیت، مرکز تعریف فقر کودکان می‌باشند».^{۱۹}

صندوق کودکان مسیحی (The Christian Children's Fund (CCF)) سعی دارد تا فقر کودکان را به صورت ملموسی که باعث هدایت سیاست‌های کاهش فقر شود، تعریف کند. این صندوق در سال ۲۰۰۲، مطالعه‌ای پیرامون تجربه و تاثیر فقر بر کودکان را سفارش داد.^{۲۰} به عنوان بخشی از این تلاش، صندوق کودکان مسیحی (از این پس CCF) با کودکان و خانواده‌های آنان مشاوره کرد تا به طور مستقیم از خود آنها اطلاعاتی در ارتباط با چگونگی مواجهه کودکان با فقر به دست آورد. صندوق کودکان مسیحی نشان داده است که فقر برای کودکان تجربه‌ای چند بعدی، عمیقاً وابسته و نسبتاً پویا می‌باشد. به منظور ایجاد چارچوبی مفهومی برای درک چگونگی تاثیر فقر بر کودکان و چگونگی بهبود اقدامات در جهت آرام کردن شرایط آنها، این صندوق سه حیطه متفاوت اما مرتبط با هم را تعریف می‌کند که درکی جامع و کل‌نگر از راه‌هایی که در آن فقر بر کودکان تاثیرگذار است، ارائه می‌دهد: ۱- یک حیطه مرتبط، دسترسی به خدمات اجتماعی اولیه کافی و شرایط رضایت بخش مادی برای برخورداری از زندگی دارای شان و منزلت می‌باشد. این حیطه همان است که معمولاً تحت پوشش مفهوم «محرومیت» قرار می‌گیرد. مطالعه CCF همچنین نشان داد که کودکان همه روزه شدیداً تحت تاثیر تبعیض در زندگی قرار می‌گیرند و با توجه به سن، جنسیت، طبقه اجتماعی و قومیت خود احساس محرومیت می‌کنند؛ ۲- محرومیت اجتماعی دومین حیطه از نظر CCF محسوب می‌شود؛ ۳- سرانجام مشخص شد که کودکان آسیب پذیرترین گروه در برخورد با بحران‌ها می‌باشند. بحران‌ها، از بلایای طبیعی و درگیری‌ها گرفته تا شوک‌های اقتصادی، به طور نامتناسب بر کودکان (و زنان) تاثیر می‌گذارند. آنها نسبت به تهدیدهای در حال افزایش موجود در محیط خود که می‌تواند نتیجه هر یک از این شرایط باشد، آسیب پذیر

هستند. از این رو، CCF فقر کودکان را در برگیرنده این سه حیطه مرتبط با هم می‌داند:

- محرومیت: فقدان خدمات و شرایط مادی که عموماً برای رشد تمامی استعدادها بالقوه کودکان ضروریست؛
- محرومیت اجتماعی: نتیجه فرآیندهای ناعادلانه که به واسطه آن شأن، صدا و حقوق کودکان انکار شده یا زندگی آنها مورد تهدید واقع می‌گردد؛
- آسیب‌پذیری: عدم توانایی اجتماع در مقابله با تهدیدات موجود یا احتمالی محیط، نسبت به کودکان.^{۲۱}

مرکز سیاست‌گذاری و تحقیقات فقر دوران کودکی (The Childhood Poverty Research and Policy Centre) «CHIP» پروژه‌ای مشترک میان سازمان حمایت از کودکان، بریتانیا (Save the Children UK) و مرکز تحقیقات فقر مزمن (CPRC) (Chronic Poverty Research Centre) می‌باشد. سند مربوط به این پروژه، این تعریف را در ارتباط با فقر کودکان ارائه می‌دهد: «منظور از فقر دوران کودکی، این است که نوجوانان و کودکان بدون دسترسی به انواع منابعی که برای رفاه و شکوفایی استعدادهای آنها حیاتی می‌باشد، بزرگ می‌شوند. منظور منابع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی، محیطی و سیاسی می‌باشند».^{۲۲}

این تعریف، به ویژه بیان می‌کند که رشد یافتن یا نبود هر یک از عواملی از قبیل: امرار معاش در حد کفایت، فرصت‌های توسعه انسانی، ساختارهای خانوادگی و جامعه محلی که کودکان را تربیت و حفاظت کنند، فرصت‌های رسیدن صدای کودکان به مسئولین، فقر دوران کودکی را در پی خواهد داشت.

سازمان حمایت از کودکان، سوئد (Save the Children Sweden) نیز ارتباطی قوی میان فقر کودکان و حقوق بشر قائل است. این سازمان معتقد است که مبارزه با فقر کودکان بالاتر از نگرانی برای توسعه می‌باشد؛ این مبارزه نگرانی برای حقوق بشر است. علاوه بر این، سازمان حمایت از کودکان، مانند CIDA، برای شناسایی کودکانی که در فقر به سر می‌برند، از رویکرد پولی استفاده کرده و برای ایجاد سیاست‌های ضد فقری که به فقر کودکان بپردازد، رویکرد مبتنی بر حقوق بشر را پیشنهاد می‌کند. از آنجا که میان فقر کودکان و حقوق بشر ارتباط وجود دارد، استراتژی‌های ضد فقر باید «... به طور صریح بر اساس هنجارها و ارزش‌های مورد نظر قوانین بین المللی حقوق بشر باشند».^{۲۳}

رویکرد مبتنی بر حقوق بشر سازمان حمایت از کودکان بر پایه قطعنامه جهانی شایسته کودکان (A World Fit for Children)^{۲۴} - اتخاذ شده توسط مجمع عمومی در جلسه ویژه سازمان ملل متحد در ارتباط با کودکان - در سال ۲۰۰۲ قرار دارد.^{۲۵}

(ت) ارزیابی: سازمان‌های زیادی مستقیماً به موضوع تعریف فقر نپرداخته‌اند. از این رو تعداد تعاریف ارائه شده از فقر در این مقاله اندک می‌باشد. تعاریف بررسی شده در این مقاله، علاوه بر اینکه به عنوان یک نمونه ارائه می‌شوند، باید جدیدترین توصیف فقر را نیز ارائه کنند. تمام این تعاریف در برخی عناصر مانند: شنیدن صدای کودکان و توجه به آنها، مشارکت و چند بعدی بودن، مشترک می‌باشند. به عبارت دیگر، آنها به صورت آشکار یا ضمنی قوانین و نظرات حقوق بشر را ترکیب می‌کنند. علاوه بر این، اگر چه مسئله جنسیت به طور صریح ذکر نشده است، اما این چارچوب می‌پذیرد که فقر و ناتوانی و تبعیض بر دختران و پسران به طور متفاوت تاثیر می‌گذارد و در زمان اندازه‌گیری فقر کودکان باید مورد توجه قرار بگیرد. با وجود این، ممکن است که این تعاریف بسیار گسترده و وسیع باشند. در تلاش برای ترکیب ابعاد مختلف در تعریف فقر این خطر وجود دارد که معنای اصلی فقر (مرتبط با محرومیت مادی) کم رنگ شود. در حالی که شنیده نشدن صدای کودکان، سوء استفاده فیزیکی از آنها، جدایی خانواده و مشکلات دیگر موانع جدی در برابر بهره‌مندی از دوران کودکی سالم و رشد کامل کودکان می‌باشند، با این حال آنها ضرورتاً نه باعث ایجاد فقر می‌شوند و نه با کمبود درآمد یا نیازهای اولیه در ارتباط هستند.

یافته‌ها و اندازه‌گیری فقر کودکان: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فقر به آسانی قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد. ماهیت چند بعدی فقر شامل متغیرهای قابل سنجش (از قبیل درآمد، مصرف و دسترسی به خدمات اولیه) می‌باشد، اما دارای متغیرهای قابلیت نیز بوده که به راحتی قابل اندازه‌گیری نیستند، مانند قابلیت مشارکت در اجتماع بدون مواجهه با تبعیض.^{۲۶} به دلیل این پیچیدگی‌ها اکثر سازمان‌های توسعه برای اندازه‌گیری فقر بر رویکرد پولی (خط فقر) تکیه می‌کنند، که این رویکرد بسیار نسبی بوده و در بسیاری مواقع در اندازه‌گیری فقر، تاثیر معکوس دارد. به این علت که:

۱- ماهیت چند بعدی فقر را نادیده می‌گیرد.

- ۲- برای شناسایی فقرا تنها از خط فقر مبتنی بر درآمد استفاده کرده و ویژگی‌های مختلف خانوارها را نادیده می‌گیرد.
 - ۳- به نیازهای متفاوت افراد توجه نمی‌کند. برای مثال، برای انجام کارهای مشابه، یک فرد ناتوان ممکن است به منابع بیشتری نیاز داشته باشد تا فردی بدون ناتوانی.
 - ۴- به اهمیت خدمات عمومی و کالاهای عمومی مانند آموزش، مراقبت بهداشتی، آب سالم، بهداشت محیطی و ... توجهی ندارد.
 - ۵- بر استراتژی‌های ضد فقر بیشتر با هدف افزایش سطح درآمد افراد تمرکز دارد تا سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی.
- این بخش، خلاصه‌ای از روش‌ها و نتایج به دست آمده از برخی تلاش‌های ملی و بین‌المللی، جهت اندازه‌گیری فقر کودکان را ارائه خواهد داد.

الف) فقر کودکان بعنوان نقض حقوق کودکان - مطالعه بریستول

رویکرد محرومیت به اندازه‌گیری فقر، مجموعه‌ای از محرومیت‌های قابل مشاهده و قابل ذکر را بررسی می‌کند. طبق نظر یونیسف در این رابطه: «مفهوم محرومیت بر شرایطی تمرکز دارد که کودکان را احاطه کرده و فقر را به عنوان ویژگی محیطی که در آن زندگی و رشد می‌کنند، به آنها تحمیل می‌کند».^{۲۷}

تیمی از محققان دانشگاه بریستول (University of Bristol) و مدرسه اقتصاد لندن (School of Economics London) به سفارش یونیسف، مطالعه‌ای تجربی مبنی بر وضعیت کودکان با توجه به هفت معیار محرومیت شدید انجام دادند.^{۲۸} معیارهای محرومیت بر اساس حقوق کودکان و تعاریف فقر قرار دارد که در اجلاس جهانی برای توسعه اجتماعی سال ۱۹۹۵، به طور بین‌المللی موافقت شد. شاخص‌ها و آستانه‌های آنها عبارتند از:

۱- محرومیت شدید غذایی: کودکانی که قد و وزن آنها نسبت به سن‌شان دارای بیش از سه انحراف معیار از متوسط جمعیت مرجع بین‌المللی می‌باشد، که به آن نارسایی شدید فیزیکی می‌گویند.

۲- محرومیت شدید از آب سالم: کودکانی که برای آشامیدن تنها به آب سطحی (برای مثال رودخانه) دسترسی دارند، یا در خانوارهایی زندگی می‌کنند که نزدیک‌ترین منبع آب بیش از ۱۵

دقیقه با آنها فاصله دارد (شاخص محرومیت شدید از آب سالم و کافی).

۳- محرومیت شدید از امکانات بهداشت محیطی: کودکانی که در نزدیکی محل سکونت خود به سرویس بهداشتی دسترسی ندارند، به عبارت دیگر عدم دسترسی به توالت خصوصی یا مشترک و یا عمومی.

۴- محرومیت شدید بهداشتی و درمانی: کودکانی که در برابر هیچ یک از بیماری‌ها واکسینه نشده‌اند یا کودکان کم سنی که اخیراً از بیماری همراه با اسهال رنج برده و هیچ‌گونه درمان یا مشاوره پزشکی دریافت نکرده‌اند.

۵- محرومیت شدید از سرپناه: کودکانی که در مسکن‌های دارای بیش از ۵ نفر در هر اتاق (ازدحام شدید) یا دارای پوشش نامناسب کف (برای مثال کف گلی) زندگی می‌کنند.

۶- محرومیت شدید آموزشی: کودکان ۷-۱۸ ساله‌ای که هرگز به مدرسه نرفته‌اند و در حال حاضر نیز نمی‌روند (نبود آموزش رسمی از هر نوع).

۷- محرومیت شدید اطلاعاتی: کودکان ۳-۱۸ ساله‌ای که در خانه به رادیو، تلویزیون، تلفن و روزنامه دسترسی ندارند.

مطالعه انجام شده نشان داد که ۵۶ درصد از کودکان در کشورهای کم درآمد - و با درآمد متوسط - دارای یک نوع محرومیت شدید یا بیشتر می‌باشند (بیش از یک میلیارد کودک). جنوب آسیا و جنوب صحرای افریقا دارای نرخ بیش از ۸۰ درصدی محرومیت شدید می‌باشند. ناراحت کننده‌تر آنکه کودکان روستایی این دو منطقه دارای نرخ محرومیت شدید، با بیش از ۹۰ درصد هستند. در جمعیت بیش از ۱/۸ میلیارد نفری کودکان در کشورهای کم درآمد - و با درآمد متوسط - برخی از مشهودترین نتایج بدین قرار است (بر اساس شاخص محرومیت):

۱- محرومیت شدید غذایی: ۱۵ درصد کودکان زیر پنج سال در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط، شدیداً دچار محرومیت غذایی هستند

۲- محرومیت شدید از آب سالم: نزدیک به ۳۷۶ میلیون کودک، یعنی ۲۰ درصد آنها به منابع آب سالم دسترسی نداشته، یا بیش از ۱۵ دقیقه با آن فاصله دارند

۳- محرومیت شدید از امکانات بهداشت محیطی: بیش از نیم میلیارد کودک، یعنی ۳۱ درصد آنها از محرومیت بهداشت محیط رنج می‌برند.

۴- محرومیت شدید بهداشتی و درمانی: ۲۶۵ میلیون کودک، یعنی ۱۵ درصد آنها دچار

محرومیت بهداشتی و درمانی می‌باشند.

۵- محرومیت شدید از سرپناه: بیش از ۵۰۰ میلیون کودک، یعنی ۳۴ درصد آنها از داشتن سرپناه محروم هستند.

۶- محرومیت شدید آموزشی: ۱۳۴ میلیون کودک ۷-۱۸ ساله، یعنی ۱۳ درصد آنها هرگز به مدرسه نرفته‌اند.

۷- محرومیت شدید اطلاعاتی: تقریباً نیم میلیارد کودک، یعنی ۲۵ درصد آنها از محرومیت اطلاعاتی رنج می‌برند.

این نتایج نشان می‌دهند که بیشتر کودکان، در کشورهای در حال توسعه، از برخی انواع محرومیت شدید که بر رشد آنها تأثیر عکس خواهد داشت، رنج می‌برند.

در آخر می‌توان گفت که یکی از مزیت‌های مهم شواهد جمع‌آوری شده توسط تیم محققان دانشگاه بریستول این است که می‌توان بر اساس آنها بر معیارهای دیگر فقر نیز تمرکز کرد. بررسی نتایج این تحقیق و مقایسه آن با فقر درآمدی نشان می‌دهد که تقریباً در تمام موارد، تخمین محرومیت کودکان به طور قابل توجهی از تخمین فقر درآمدی، بالاتر است. به عبارت دیگر، معیار «دلار در روز» که علاوه بر سایر موارد، کودکان را از بزرگسالان متمایز نمی‌کند، شدیداً باعث دست کم گرفتن فقر کودکان می‌شود و نتیجه مشابهی در ارتباط با خط فقر ملی به دست می‌آید، هر چند دست کم گرفتن کودکان در این مورد کمتر مشهود می‌باشد.^{۲۹}

ب- فقر کودکان به عنوان نقض حقوق کودکان - پروژه زندگی کودکان (Young Lives)

پروژه زندگی کودکان، یک مطالعه مشارکتی بین‌المللی است که توسط موسسه بریتانیایی توسعه بین‌المللی (DFID) (UK Department for International Development) تامین مالی شده و هدف آن تحقیق در ارتباط با ماهیت در حال تغییر فقر کودکان می‌باشد. همانند مطالعه بریستول، پروژه زندگی کودکان در پی «... بهبود درک ما نسبت به علل و عواقب فقر کودکان می‌باشد»^{۳۰} با وجود این، در حالیکه مطالعه بریستول، قصد داشت معیاری کل‌نگر از فقر کودکان امروز ارائه کند، پروژه Young Lives قصد دارد به کمبود اطلاعات در رابطه با تغییرات رفاه کودکان در طی زمان بپردازد. این یک پروژه بلند مدت می‌باشد که می‌خواهد زندگی تقریباً ۱۲۰۰۰ کودک و خانواده‌هایشان را طی ۱۵ سال در ۴ کشور (اتیوپی، پرو،

ویتنام و هند) دنبال کند.^{۳۱} پروژه مذکور سعی دارد تا تمام جنبه‌های زندگی کودکان را مورد بررسی قرار دهد. از جمله:

- ۱- دسترسی به خدمات اولیه: دسترسی به برق، آب آشامیدنی سالم و توالت.
- ۲- دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی اولیه و بهداشت کودکان: واکسیناسیون، شیوع بیماری‌های دوران کودکی، فاصله تا مرکز درمانی.
- ۳- مراقبت از کودکان و پرورش آنها.
- ۴- سوء تغذیه کودکان.
- ۵- سواد خواندن، نوشتن و حساب.
- ۶- کار کودک.
- ۷- سرمایه اجتماعی در میان جامعه.

هر سه سال یک بار، در این پروژه، تعدادی مأمور سرشماری برای بررسی کودکان انتخاب شده و جمع‌آوری داده‌هایی پیرامون شاخص‌های محرومیت، در نظر می‌گیرد.^{۳۲} اولین دوره جمع‌آوری داده‌ها نشان داد که در هر چهار کشور، کودکان دچار سطح بالایی از محرومیت هستند. برای مثال، در اتیوپی «... در سال ۲۰۰۱، مرگ و میر نوزادان ۱۱۶ فوت به ازای هر ۱۰۰۰ تولد در مقایسه با متوسط ۱۰۷ فوت در منطقه بود. در سال ۲۰۰۰، تنها ۳۴ درصد کودکان ۷-۱۲ ساله در مدرسه ابتدایی ثبت نام شده بودند».^{۳۳}

نتایج به دست آمده از پروژه زندگی کودکان مشابه نتایج مطالعه بریستول می‌باشد. کودکان از محرومیت نیازهای اولیه از قبیل آب سالم، آموزش مناسب، برق، محل سکونت مناسب و ... رنج می‌برند. کودکان روستایی و خصوصاً دختران به واسطه محرومیت‌ها در معرض آسیب می‌باشند.^{۳۴} این نتایج، همانند نتایج قبلی، لزوم ایجاد استراتژی‌های ضد فقر و هدفداری را خاطر نشان می‌کنند که به محرومیت‌هایی که کودکان فقیر متحمل‌اند، می‌پردازند.

فقر کودکان و رویکرد پولی

رویکرد پولی برای اندازه‌گیری فقر، دارای دو روش می‌باشد: فقر مطلق و فقر نسبی. مورد اول خط فقری ایجاد کرده و افراد را زمانی فقیر می‌داند که درآمد آنها زیر خط فقر باشد. خط فقر بین‌المللی که توسط بسیاری از سازمان‌های توسعه (برای مثال بانک جهانی، IMF) به کار گرفته می‌شود یک دلار

آمریکا در روز می‌باشد.^{۳۵} در سال ۱۹۹۸، تعداد افراد دارای فقر درآمدی، در کشورهای درحال توسعه ۱/۲ میلیارد نفر برآورد شده بود که حداقل نیمی از آنها را کودکان تشکیل می‌دهند.^{۳۶}

در سال ۱۹۹۷، دیتون و پاکسون (Paxson, Deaton) در مطالعه‌ای در ارتباط با فقر در جنوب آفریقا، از خط فقری استفاده کردند که تقریباً با خط فقر بین‌المللی یک دلار آمریکا در روز مطابقت داشت. آنها ترکیبی از افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که «جوانان کوچک‌ترین بخش این افراد را تشکیل می‌دهند و پس از آنها سالخوردگان (کسانی که به صورت ماهیانه از دولت حقوق دریافت می‌کنند) و سپس کودکان در سنین بالاتر و پایین‌تر قرار دارند».^{۳۷} آنها همچنین به بررسی فقر در غنا، پاکستان، تایوان، تایلند و اوکراین با همان روشی که در جنوب آفریقا به کار گرفته بودند یعنی خط فقر مطلق برابر با یک دلار آمریکا در روز پرداختند.^{۳۸} مطالعه آنها که به ساختارها و سبک‌های متفاوت خانواده‌ها نیز توجه داشت نشان داد که کودکان نسبت به بزرگسالان یا سالخوردگان درصد بالاتری از افراد دارای فقر درآمد را تشکیل می‌دهند.^{۳۹} لازم به ذکر است که در مطالعه انجام شده توسط دیتون و پاکسون این طور فرض شد که منابع خانوار به طور مساوی بین تمام اعضا تقسیم می‌شود، یعنی رویکردی که معمولاً منابع را بیش از آنچه هست به کودکان اختصاص می‌دهد. حمایت از این فرضیه دشوار بوده و این احتمال وجود دارد که در مطالعه پولی دیتون و پاکسون تعداد کودکانی که در فقر به سر می‌برند، کمتر از میزان واقعی تخمین زده شده باشد.

ارزیابی

باید اعتراف کرد که حوزه حقوق کودکان گسترده بوده و فراتر از معیارهای ارائه شده در این بخش می‌باشد. این بدان معناست که اکثر معیارهای کودکان فقیر بر فهرستی از حقوق ساختاری متمرکز است. با این وجود، این معیاری برای نقض کلیه حقوق کودکان نمی‌باشد.

با این وجود، مطالعات اندک بین‌المللی قابل قیاس در ارتباط با فقر کودکان نشان می‌دهد که تعداد کودکانی که در فقر به سر می‌برند بیشتر از سرشماری سنتی مبتنی بر پول است که نشان داده می‌شود. این اتفاق به ویژه زمانی رخ می‌دهد که رویکرد نمی‌تواند میان شرایط زندگی و نیازهای بزرگسالان و کودکان تمایز قائل شود. کمبود اطلاعات و کم توجهی به کودکان بر پیشنهادها و اجرای سیاست‌ها تاثیر گذار خواهد بود.

درباره نیاز و امکان مرئی (آشکار) کردن فقر کودکان

برای مدتی طولانی، استراتژی‌های کاهش فقر، نیازهای خاص کودکانی که در فقر به سر می‌برند و همچنین نیاز به اتخاذ سیاست‌های مستقیم برای پرداختن به فقر کودکان را نادیده گرفته و یا به سادگی به آنها اهمیت نمی‌دادند. این امر برخلاف عقاید عموم این حقیقت را نشان می‌دهد که در سراسر جهان، در کشورهای درحال پیشرفت و پیشرفته، کودکان به طور نامتناسبی درصد بالایی از افراد فقیر را تشکیل می‌دهند. در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط، اکثر کودکان فقیر بوده و همچنین اکثر افراد فقیر، کودکان می‌باشند.

یکی از جنبه‌های مهم تعریف فقر کودکان این است که بر استراتژی‌های کاهش فقر و همچنین توسعه شاخص‌ها به منظور پیگیری موفقیت استراتژی‌های کاهش فقر تأثیری بالقوه دارد. کلیه تعاریف فقر کودکان که در بخش‌های قبل بررسی شدند فراتر از رویکرد پولی تک بعدی و ساده می‌باشند. تعاریف بالا «...محرومیت مادی (شامل خدمات اجتماعی اولیه) و همچنین عوامل ضروری اضافی که کودکان را برای بقا، رشد و مشارکت در اجتماع توانا می‌سازند، مورد توجه قرار می‌دهند». وجود تعاریف فقر کودکان، سیاست‌گذاران و سازمان‌ها را ترغیب می‌کند تا مستقیماً به نیازهای خاص کودکان بپردازند.

هر تعریفی از فقر کودکان باعث حمایت در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ها شده و تأثیرات عملی دارد. از جمله تأثیر مستقیم آن را می‌توان در تأثیر بر ماهیت گفت‌وگوی سیاست‌گذاری در ارتباط با کاهش فقر؛ تأثیر بر بحث‌های سیاست‌گذاری در ارتباط با مخارج بخش دولتی و تأثیر بر طرح شاخص‌ها عنوان کرد.

در حال حاضر، استراتژی‌های کاهش فقر در روشی کل‌نگر، به ندرت به کودکان توجه می‌کنند. برای مثال هیدل (Heidel)^{۴۰} نشان می‌دهد که: «...تقریباً دو سوم از کل مقالات استراتژی کاهش فقر، به اجرای حقوق مربوط به کودکان کمک نمی‌کنند، تنها به این دلیل که آنها عملاً شرایط زندگی و کاری اکثریت کودکان و جوانان را نادیده می‌گیرند. تنها بر اساس این حقیقت، به هیچ وجه نباید کلیه کمک‌های اهدایی، در قالب فرایند برنامه استراتژی کاهش فقر (PRSP)^{۴۱} انجام گیرند. در عوض این وظیفه ضروری و مهم بر عهده فعالیت‌های توسعه است تا فرایند برنامه استراتژی کاهش فقر را طوری سامان‌دهی کنند که به کاهش پایدار فقر و تقویت حقوق کودکان منجر گردد.^{۴۲} تنها در این صورت فعالیت‌های مذکور چارچوب همکاری توسعه را تشکیل خواهند داد.»^{۴۳}

با این وجود، ارتباط و تاثیر به کارگیری رویکردی کل‌نگر در بسیاری موارد پذیرفته شده است. یونیسف معتقد است: «اشتراک مساعی مثبت میان اقدامات صورت گرفته در ابعاد مختلف اجتماعی، از جمله سرپناه، بهداشت و آموزش، به خوبی مستندسازی شده است».^{۴۴} لازم است سیاست‌گذاران، ارتباط میان سیاست‌ها را در ابعاد مختلف اجتماعی بپذیرند. همان‌طور که در پژوهش‌های مرکز تحقیقات و سیاست‌گذاری فقر دوره کودکی (CHIP) آمده است: «... چنین توجه کل‌نگری به موضوع کودکان، بهره‌وری از اشتراک مساعی و انجام اقدامات مکمل در عوامل اساسی‌ای که استراتژی‌های مربوط به کاهش فقر را ایجاد می‌کنند، ممکن می‌سازد، که می‌توان به آموزش، بهداشت، آب سالم و بهداشت محیطی اشاره کرد. بسیار مهم است که تمام ابعادی که فقر به همراه دارد و کل تاثیرات تعاملی آنها میان سیاست‌ها و برنامه‌های موثر بر فقر کودکان به طور صریح یکپارچه شوند».^{۴۵}

علاوه بر این، طبق نظر واندرمورتل^{۴۶} (Vandermoorle): «... ارائه خدمات اجتماعی اولیه با کیفیت خوب به همه کودکان، یکی از مستقیم‌ترین و کم هزینه‌ترین راه‌های کاهش فقر می‌باشد. ارائه خدمات اجتماعی اولیه با کیفیت خوب به همه کودکان، کلید ایجاد قابلیت‌های اولیه آنها برای زندگی با شان و منزلت می‌باشد. تضمین دسترسی جهانی به بسته یکپارچه‌ای از خدمات اجتماعی اولیه، یکی از موثرترین و مقرون به صرفه‌ترین روش‌های کمک به کاهش فقر است».^{۴۷}

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر ادبیات جاری در زمینه تعریف و اندازه‌گیری فقر کودکان را بررسی می‌کند. این مقاله مفاهیم متفاوتی در ارتباط با فقر کودکان، تعاریف مختلف کودکانی که در فقر به سر می‌برند و تلاش‌های مختلف انجام شده برای اندازه‌گیری فقر کودکان را ارائه می‌دهد. اگر چه چندین سازمان، اخیراً برای تعریف کودکانی که در فقر به سر می‌برند از رویکرد مبتنی بر حقوق بشر استفاده کرده‌اند، این مقاله به فقدان کلی، در توجه به موضوع کودکان در ادبیات فقر، اشاره دارد. نداشتن اطلاعات درست از کودکان و همچنین فراهم نبودن برقراری ارتباط مستقیم و موثر با کودکان، تاثیرات منفی بر استراتژی‌های ضد فقر دارد، چرا که بندرت به کودکان و حقوق آنها در طرح و اجرای استراتژی‌ها توجه می‌شود.

فقر کودکان تنها نقض حقوق آنها نمی‌باشد، بلکه منجر به فقر بزرگسالان نیز می‌شود. به

منظور درک حقوق کودکان و از بین بردن فقر، استراتژی‌های کاهش فقر نمی‌توانند نیازهای خاص کودکان را نادیده بگیرند. مطالعات نشان داده‌اند که بیش از یک میلیارد کودک از محرومیت شدید رنج می‌برند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که رشد کودکان در شرایطی است که حقوق آنها نقض شده و به منابع و خدمات لازم برای تبدیل شدن به بزرگسالانی سالم و کارآمد که قادر به کشف تمام استعدادهای خود در زندگی خواهند بود، دسترسی ندارند.

با ارائه تأثیری که تعاریف فقر کودکان می‌تواند بر طرح و اجرای سیاست‌گذاری داشته باشد،

می‌توان گفت:

۱- موضوع کودکانی که در فقر به سر می‌برند باید به طور مستقل بررسی شده و نمی‌تواند از معیار و تعریف فقر درآمد، مشتق شود. فقر کودکان باید به عنوان پدیده‌ای منحصر به فرد پذیرفته شود که به اقدامات مستقیم احتیاج دارد. راه‌حل‌های غیر مستقیم در پرداختن به نیازهای خاص کودکان با شکست مواجه می‌شود.

۲- بحث مربوط به فقر باید جامع و شامل خانواده، زنان و کودکان در رویکردی کل‌نگر، عملی و مفهومی باشد. تعصبات رایج «اقتصادی» یا «بازار» باعث نادیده گرفته شدن نیازهای خاص، اما مرتبط کودکان که بازار به آنها نمی‌پردازد، می‌شود. تبعیض، عدم توجه خانواده و اجتماع و عدم دسترسی به خدمات اولیه مناسب، نیازمند اقداماتی هستند که فراتر از موضوعات رشد اقتصادی و درآمدی می‌باشند. تنها با در نظر گرفتن تمام این جنبه‌ها می‌توان راهی برای ارتقا جوامعی فراگیر ارائه کرد. کودکان نه تنها درصد بالایی از افراد فقیر را تشکیل می‌دهند بلکه می‌توانند فرصتی برای شکستن چرخه فقر نیز ایجاد کنند. امکان درک قابلیت‌های آنها باعث امکان ایجاد جامعه‌ای فراگیر می‌شود.

۳- رویکرد تعریف و اندازه‌گیری برای فقر کودکان باید چند بعدی باشد. تمرکز بر یکی از ابعاد فقر کودکان به قیمت یک بعد دیگر منجر به نتایج غیر بهینه می‌گردد. تجاربی که در این مقاله ارائه شدند، نشان می‌دهند که اندازه‌گیری فقر کودکان از راهی مستقیم و چند بعدی و با استفاده از اطلاعات موجود امکان پذیر می‌باشد.

۴- مشارکت و «انعکاس صدای کودکان» باید به عنوان بخشی از هر رویکرد مربوط به فقر کودکان و استراتژی‌های کاهش فقر، با هم ادغام شوند (که با قرار دادن آنها در تعریف فقر متفاوت است).

۵- ارتقا و تقویت ارتباط بین حقوق بشر و فقر، که باعث پایداری و کارایی بیشتر برنامه‌ها

و سیاست‌گذاری‌ها می‌شود، امری ضروری می‌باشد. با این وجود، مقاله حاضر زمان پرداختن به ابعاد بسیار زیاد فقر، عدم ترکیب فقر کودکان با تمام مشکلات و نقض حقوق آنها را مهم می‌داند.

یادداشت‌ها

۱- این نوشتار خلاصه‌ای از مقاله‌ای است که توسط (ALBERTO MINUJIN, ENRIQUE DELAMONICA, ALEJANDRA DAVIDZIUK, EDWARD D GONZALEZ) نگارش و در یونیسف تلخیص شده است.

۲- این مقاله براساس سند کنفرانس بین‌المللی «شرایط جهانی، راه حل‌های محلی؟» در نیویورک تهیه شده است و توسط یونیسف و دانشگاه New School (Graduate Programme in International Affairs) در تاریخ ۲۵-۲۷ آوریل ۲۰۰۵ مورد استفاده قرار گرفته است. از Gibbons, Gaspar Fajth, Sita Haldipur, Sherry Bartlett به خاطر نظرات و حمایت‌هایشان تشکر می‌کنیم.

3- UNIEF (2005b), *The State of The World of the Children 2005 Childhood under Threat*, UNICEF, New York.

۴- برای توصیف فقر کودکان از چندین عبارت، از جمله «فقر کودکان» و «کودک‌انی که در فقر به سر می‌برند» استفاده می‌شود. این اصطلاحات قصد دارند تا بحث مربوط به فقر و کودکان را تصحیح کنند. با وجود اینکه پذیرفته شده است که این دو عبارت، عملاً تعاریف متفاوتی دارند و احتمالاً صحیح‌ترین تعریف «کودک‌انی که در فقر به سر می‌برند» می‌باشد، اما به منظور حفظ سبک نگارش، این عبارات به صورت قابل تبادل در سراسر مقاله مورد استفاده قرار می‌گیرند.

5- CHIP (2004), "Children and poverty – some questions answered", in *Children and Poverty*, CHIP Briefing 1, London, accessed 21 February 2005 at:

<http://www.childhoodpoverty.org/index.php?action=documentfeed/doctype=pdf/id=46/>; also UNDP (2004), "Dollar a day, how much does it say?" *In Focus*, an online bulletin of the UNDP-International Poverty Centre (IPC), New York, September, accessed 21 February 2005 at <http://www.undp.org/povertycentre/newsletters/infocus4sep04eng.pdf>

6- UNICEF (2005a), "Defining child poverty", accessed 21 February 2005, at: <http://www.nicef.org/sowc05/english/povertyissue.html>

7- Vandemoortele, J (2000), "Absorbing social shocks protecting children and reducing poverty", UNICEF New York, accessed, 21 February 2005 at: http://www.unicef.org/evaldatabase/files/Global_2000_Absorbing_Social_Shocks.

۸- جالب است که بدانید حتی آدام اسمیت (Adam Smith) زمانی که نوشت: «هر کسی با توجه به میزان توانایی

مالی خود برای برخورداری از ضروریات، تسهیلات و سرگرمی‌های زندگی بشر، ثروتمند یا فقیر محسوب می‌شود» مفهومی کلی در ذهن داشت، که این مطلب به وضوح نشان دهنده این است که او به توانایی داشتن زندگی کامل و لذت بخش، برای اینکه فقیر محسوب نشویم، فکر می‌کرده است. رجوع کنید به:

Smith, A (1776), *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations* Edited by, Edwin Cannan Published by Methuen & Co Ltd, 1904.

۹- رجوع کنید به مرجع شماره ۷ و همچنین:

Minujin, Alberto (2005), "Constructing a definition and measurements of children living in poverty", GPS contribution to IRC meeting on Child Poverty in CEE/CIS, 24 January 2005, Florence, Italy

۱۰- رجوع کنید به مرجع شماره ۹، Minujin (2005)

11- Feeny, Thomas and Jo Boyden (2003), "Children and poverty: a review of contemporary literature and thought on children and poverty", in *Children and Poverty Series, Part I*, Christian Children's Fund, Richmond, accessible at: http://www.christianchildrensfund.org/uploadedFiles/Publications/7659_Poverty%20Pt%201.pdf.

۱۲- برای مثال رجوع کنید به:

Bartlett, S(2002), *Children's Rights and the Physical Environment*, Save the Children Sweden, Stockholm; Satterthwaite, D et al. (1996), *The Environment for Children*, Earthscan, London.

13- OHCHR (2002), *Draft Guidelines: A Human Rights Approach to Poverty Reduction Strategies*, UN, New York

۱۴- رجوع کنید به مرجع شماره ۱۳.

۱۵- رجوع کنید به مرجع شماره ۱۳.

۱۶- برخی از حقوق می‌توانند بطور هم‌زمان هم ابزاری و هم ساختاری باشند.

۱۷- رویکرد حقوق بشری می‌پذیرد که دولت‌ها به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته منابع محدودی دارند و درکی پیشرفته از یک استراتژی کاهش فقر ایجاد می‌کنند. با این وجود این رویکرد تأکید می‌کند که دولت‌ها باید استراتژی ضد فقری را متعهد شوند که صراحتاً حقوق بشری که افراد فقیر مستحق آن هستند را به طور پیشرفته ایجاد کند.

۱۸- رجوع کنید به مرجع شماره ۲.

۱۹- رجوع کنید به مرجع شماره ۹، Minujin (2005).

۲۰- رجوع کنید به مرجع شماره ۱۱.

21- CCF (2004), "Understanding how children experience and respond to poverty", Christian Children Fund presentation at UNICEF, New York; Minujin (2005) همچنین رجوع کنید به مرجع شماره ۹.

۲۲- رجوع کنید به مرجع شماره ۵، CHIP (2004).

23- Save the Children Sweden (2003), "Children first in the poverty battle: a review of Poverty Reduction Strategy Papers in the Southern African Region – from a child rights perspective", accessed 21 February 2005 at:

http://www.undp.org/povertycentre/publications/vulnerability/children/Children_First_inPRSP-SavetheChildren-Mar03.pdf

۲۴- ترجمه این سند به زبان فارسی توسط یونیسف ایران منتشر شده است و برای عموم قابل دسترس است.

25- UN (2002), Resolution by the General Assembly: A World fit for Children, New York, available at: http://www.unicef.org/specialsession/docs_new/documents/A-RES-S27-2E.pdf

26- Sen, A (1999), *Development as Freedom*, Random House, New York

- ۲۷- رجوع کنید به مرجع شماره ۲.
- 28- Sen, A (1999), *Development as Freedom*, Random House, New Gordon, D, S Nandy, C Pantazis, S Pemberton and P Townsend (2003), *Child Poverty in the Developing World*, The Policy Press, Bristol, accessed 21 February 2005 at: http://aa.ecn.cz/img_upload/65636e2e7a707261766f64616a737476/Child_poverty.pdf
- 29- Minujin Alberto, Enrique Delamonica and Phoebe Wong (2006), "Exploring the properties of child poverty indicators in various socioeconomic contexts", UNICEF-DPP Working Paper Series, New York
- 30- Woldehanna, T, C Lanata and T Tuan (2004), "Stunted lives: child poverty in Ethiopia, Peru and Vietnam", *In Focus*, an online bulletin of the UNDP-International Poverty Centre (IPC), September, New York, accessed 21 February 2005 at: <http://www.undp.org/povertycentre/newsletters/infocus4sep04eng.pdf>
- ۳۱- رجوع کنید به مرجع شماره ۳۷.
- 32- MRC (2001), "Young lives and poverty", in News Vol32, No5, Medical Research Council (MRC) of South Africa, Tygerberg, accessed 21 February, 2005 at: <http://www.mrc.ac.za/mrcnews/oct2001/younglives.htm>
- ۳۳- رجوع کنید به مرجع شماره ۳۷.
- 34- Young Lives (2004), "India: development trends and the questions they raise for the Young Lives project", accessed 24 February 2005 at: <http://www.younglives.org.uk/data/focus/index.htm>
- ۳۵- در ارتباط با محدودیت‌های مفهومی و مشکلات عملی در کاربرد معیار \$US در روز به عنوان خط فقر رجوع کنید به:
- Reddy, S and T Pogge (2003), "Unknown: the extent, distribution and trend of global income poverty", Mimeo, available at: www.socialanalysis.org
- ۳۶- رجوع کنید به مرجع شماره ۷.
- 37- Deaton, Angus and Christina Paxson (1997), "Poverty among children and the elderly in developing countries", Princeton University Paper, accessed 25 February 2005 at: http://www.wws.princeton.edu/%7Erpds/downloads/deaton_paxson_poverty_children_paper.pdf
- ۳۸- در تایوان و اوکراین، مطالعه فقیرترین گروه پنجگانه دارای را بررسی می‌کند.
- ۳۹- رجوع کنید به مرجع شماره ۴۴.
- 40- Heidel, K (2004), "Poverty Reduction Strategy Papers: blind to the rights of the (working) child? The (I-)PRSPs' perception of child labour: a problem outline and annotated collection of source material", Kindernothilfe and Werkstatt Ökonomie, Heidelberg, website: http://www.kindernothilfe.org/downloads/ka_prsp_mar_20044.pdf.
- ۴۱- مقالات استراتژی‌های کاهش فقر (PRSPs) توسط کشورهایی که با برنامه کشورهای شدیداً مقروض (HIPC) همکاری می‌کنند، به هیئت مدیره بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (IMF) ارائه شده است تا چگونگی استفاده از وجوه صرف نشده برای بازپرداخت بدهی به منظور کاهش فقر را نشان دهند.
- 42- Monroy Peralta, J (2004), "Children and youth in Poverty Reduction Strategy

- Papers: a desk review”, in CD PRSPs Resource Package, New York
- 43- Heidel, K (2004), “Poverty Reduction Strategy Papers: blind to the rights of The (working) child? The (I)PRSPs’ perception of child labour: a problem utline and annotated collection of source material”, Kindernothilfe and Werkstatt Ökonomie, Heidelberg, accessed 21 February 2005 at:
http://www.kindernothilfe.org/downloads/ka_prsp_mar_20044.pdf.
- 44- New York UNICEF (2002), *The State of the World’s Children 2002*,
- 45- CHIP (2002), “Country overviews”, Childhood Poverty Research and Policy Centre (CHIP), London, accessed 21 February 2005 at :
<http://www.childhoodpoverty.org/indexphp?action=countryo>
- 46- Vandemoortele, J (2000), “Absorbing social shocks, protecting children and reducing poverty”, UNICEF, New York, website:
http://www.unicef.org/evaldatabase/files/Global_2000_Absorbing_Social_Shocks.pdf.
- ۴۷- رجوع کنید به مرجع شماره ۷.

